

تحفة الفاطميين في احوال قم والقميين

بخش دوازدهم

تالیف حسین بن محمد بن حسن قمی

تحقیق علی رفیعی علامرو دشتی

فصل ششم

در ذکر سایر امامزادگان عظام که در بلده طيبة قم مدفون اند.

شاهزاده احمد بن قاسم^۱

مخفی نماند که بقعه مطهر شاهزاده احمد ابن قاسم، واقع است در قبرستان مالون

۱. شاهزاده احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر عریضی و یا به تعبیر «تاریخ قم»: ابو الحسین احمد بن قاسم بن علی بن جعفر، از اولاد و فرزندان احمد بن علی بن جعفر و یا چنان که در کتیبه دوم سراسری به خط ثلث بالای درگاه جنوبی آمده: «احمد بن قاسم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام»، سیدی باتقوا و پرهیزگار بوده که در مدینه میزیسته و در اواخر عمر خویش، به قم آمده و در آنجا به عبادت و ریاضت گذرانیده و در سالهای آخر زندگی، زمین گیر و نابینا شده و در قم هم، چشم از جهان فرو بسته و جسدش را در گورستان مالون که اکنون در کنار فلکه آخر خیابان سمیه قرار دارد، به خاک سپردند. تاریخ تولد و وفات او دانسته نیست، ولی به احتمال زیاد در ثلث اول سده سوم هجری، چشم از جهان بر بسته است، زیرا در سال ۲۵۸ قمری که خاقان بن مفلح، سایبان مزار وی را تخریب کرده، سالها از مرگ وی میگذشته است. کتیبه اشاره شده، به این شرح است: «الله الاعانه والاعانة، امر ببناء هذه العمارة الرفیعة، الروضة المنیعة، مرقد المعصوم المظلوم، احمد بن قاسم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام صاحب الاعظم، الاعدل الاعلم، ملاد طوایف الامم، مستعبد ارباب السیف واصحاب القلم صاحب دیوان الممالک و الامم ملجأ العظماء العالم، موئل صنادید بنی آدم، عمیم المواهب والنعم، عضد الخواقین، المنصور بنصرة خیر الناصرین، قوام الحق و الدنیا و الدین، مغیث الخلائق اجمعین، علی بن صاحب الاعظم السعید عز الحق و الدنیا و الدین، اسحاق بن علی الصفی الماضی - عظم الله تعالی جلالة قدره - بعمل ابن محمد علی ابوشجاع البناء»: گنجینه آثار قم، ۳۷۴/۲ - ۳۷۸؛ تاریخ قم، ص ۲۲۳؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۵۲ - ۱۵۳؛ تربت پاکان، ۶۵/۲ - ۶۹؛ الکواکب المشرقة، ۱/۱۸۹؛ منتقلة الطالبیة، ص ۲۵۵؛ اختران تابناک، ۱/۵۶۶؛ انوار المشعشعین، ۱/۵۱۳ - ۵۱۴.

وقبرستان مالون واقع است در درب دروازه قلعه و امامزاده‌ای که در آنجا مدفون است. نسب او بدین طریق است: شاه احمد ابن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر العریضی که به سه واسطه می‌رسد به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و فاطمه خواهرش هم در آنجا مدفون است.

همچنان که در تاریخ قم مذکور است که در مقامی که ذکر علی بن جعفر عریضی و اولادهای او را می‌نماید، می‌فرماید: «دیگر از اولاد احمد بن علی بن جعفر، ابوالحسین احمد بن قاسم بن علی بن جعفر است و نمی‌دانم که پدرش به قم همراه بوده یا نبوده و چنین رسیده است که او زمین‌گیر و عتین بوده و آبله در چشمش پیدا شد و بدان سبب هر دو چشمش تباه گردید و چون وفات یافت، او را به مقبره مالون، دفن کردند و تربت او را زیارت می‌کردند و بر سر تربت او سایه‌ای بوده، چون اصحاب خاقان مفلحی^۱ در سنه دویست و نود و پنج، به قم رسیدند، آن سایه‌بان را از سر قبر او کشیدند و مدتی زیارت او را نمی‌کردند، تا آنکه بعضی از صلحا در سنه سیصد و هفتاد و یک، به خواب دیدند که ساکن در این تربت، مرد فاضلی است و زیارت کردن او اجر و ثواب بسیار دارد؛ پس زیارت کردن او را از سر گرفتند و جمعی از ثقات گفته‌اند که صاحب علت کهنه^۲ بوده‌اند، یا در عضوی از اعضای ایشان، زخمی و علتی واقع شده، بر سر قبر او می‌رفتند و طلب شفا می‌نمودند و به برکت روح شریف او از علت، شفا می‌یافتند».^۳

و اما فاطمه خواهرش را بدین عبارت در تاریخ قم فرموده که: «فاطمه دختر قاسم

۱. در سال ۲۵۸ قمری، معتمد عباسی برای بیرون آوردن بلاد زنجان، ابهر، سلطانیه و قزوین از تصرف علویه (حسین کوی) که حکومتی مستقل در آن منطقه تشکیل داده بودند، امیر موسی بن بوغا را با لشکری مجهز مأمور نمود و به امیر و حکمران خراسان عبد الله بن طاهر هم طی نامه‌ای دستور داد، تا ابن بوغا را در این راه یاری نماید. ابن بوغا شخصی به نام خاقان بن مفلح ترک را بر سپاهی امیر گردانید و به او مأموریت داد که در سر راه خود، آتش شورش مردم قم را فرو نشانند و مالیات معوقه را از آنها وصول نموده و پس از سرکوبی مردم قم در ری به اردوی بغداد بپیوندند. ابن مفلح پس از تلاشی چند روزه، به حصار قم رخنه کرد و تنی چند از سران اهالی قم را هلاک ساخته و مالیات چند ساله قم را وصول نمود و در این میان سایبان برفراز مزار احمد بن قاسم را - که محل تجمع مردم شده بود - ویران کرد و سپس شهر قم را به قصد شهرری، ترک نمود و پس از رفتن او، مردم قم که به شدت تحت تأثیر احساسات قرار گرفته بودند، بر فراز تربت ابن سید متعبد و متعجد، قبه‌ای بنا کردند، اما به مرور زمان، بار دیگر، روی به خرابی نهاد که بارها تعمیر گردید. در سال ۷۸۰ قمری، از طرف علی بن عزالدین اسحاق بن علی صفی - شهریار عراق - بار دیگر از اساس تجدید بنا گردید و گنبد کنونی ساخته شد. گنجینه آثار قم، ۲/۳۷۵؛ انوار المشعشعین، ۲/۲۴۲-۲۴۳.

۲. علت کهنه، همان بیماری مزمن است.

۳. تاریخ قم، ص ۲۲۵.

میراث شهاب

بن احمد ابن علی بن جعفر است، خواهر ابوالحسین که در قبرستان مالون مدفون است و او را آنجا زیارت می‌کنند»^۱.

و این شاهزاده احمد بن قاسم صاحب بقعه وسیعی و گنبد کاشی می‌باشد و صحن محقری دارد که ملجأ خواص و عوام است.^۲

بقعه سلطان محمد شریف علیه السلام^۳

بقعه مطهر او در محله‌ای واقع است که آن محله را به اسم او می‌خوانند و از

۱. فاطمه بنت قاسم بن احمد بن علی بن جعفر، همسر عبد الله بن عزیز بن حسین بن علی بن محمد دیباج ابن امام صادق علیه السلام و مادر محمد عزیزی که به نام «سید سربخش» اشتهار دارد، است که از قم به بغداد رفت و او را به نهروان کشتند و تابوت او را به قم آوردند و به نزدیک مسجد رضائیه دفن کردند. تاریخ قم او را همسر عبدالله بن حسین دانسته است که به احتمال زیاد نام «عزیز» سرسلسله سادات «عزیزیه» از قلم افتاده باشد. قبر سید سربخش اکنون در مقابل درخت پیر در خیابان آذر واقع شده است: تاریخ قم، ص ۲۲۳؛ گنجینه آثار قم، ۳۷۴/۲، ۳۸۹.

۲. بنای کنونی مزار احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام و یا چنانکه در کتیبه بالای درگاه جنوبی نوشته شده: «احمد بن قاسم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، واقع در نزدیک دروازه قلعه قم - جنوب شرقی شهر - آخر خیابان سمیه، نزدیک فلکه شاهزاده احمد بن قاسم، از آثار خاندان علی صفی است و آرایش‌های ظریف گچبری آن اثر علی بن ابی شعاع است. بنا در مجموع از بهترین و زیباترین نمونه‌های اوج تجلی هنر گچبری در آثار قدیم قم است که در سال ۷۸۰ قمری ساخته شده است. نمای خارجی بنا، نخست هشت گوشه و سپس در بالا شانزده ضلعی با گنبد قوسی آجری است که در دوره‌های اخیر، قبه‌ای کوچک، بر فراز آن بنا کرده‌اند. نمای درونی، نخست تا چند متر، چهار گوشه با صفحه‌ای در هر ضلع است که از هر صفه، دری به بیرون گشوده می‌شده و اکنون درگاه شرقی را بسته‌اند، سپس با پیش آمدن گوشواره‌ها در زوایای چهار گانه، شکل بنا به هشت ضلعی و پس از آن در قاعده گنبد به شانزده ضلعی تغییر یافته است.

نخستین کتیبه سراسری، در گلوبند بنا به خط کوفی، در زمینه گل و بوته، میان دو حاشیه چند سانتی متری، گچبری شده که متن آن، سوره حمد و گویا پس از آن سوره توحید است. پایین این کتیبه، بدنه‌های شانزده گانه قاعده گنبد با تزئینات گچبری و نقش و نگار ظریف و زیبا، آراسته شده است. نیمی از بدنه‌ها نورگیر است که جلوی آنها را مشبک‌های زیبایی پوشانیده‌اند. بر صفحه زیر مشبک بالای درگاه جنوبی، عبارت: «فی محرم سنه ثمانین و سبعمأة» (۷۸۰) نوشته شده که برخی آن را به دلیل افتادن «تاج عین» در «سبعمأة» آن را ستماه خوانده‌اند که اشتباه است. پس از آن در آغاز قسمت هشت گوشه، دومین کتیبه سراسری در زمینه گل و بوته، میان دو حاشیه، به خط ثلث گچبری شده است: «الله [...]] والاعانة والاعانة امر ببناء هذه العمارة الرفیعة...» که اشاره شد: گنجینه آثار قم، ۳۷۵/۲ - ۳۷۷؛ تربت پاکان: ۶۵/۲ - ۶۹؛ «آشنایی با استاد بزرگ در هنر گچبری ایران»، مجله هنر و مردم، ش ۱۳۲، مهر ۱۳۵۲، ص ۳۶ - ۶۷؛ بناهای آراستگی، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

۳. ابوالفضل سلطان محمد شریف بن ابوالقاسم علی بن محمد بن حمزة بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله باهر بن امام علی بن حسین، زین العابدین علیه السلام (۳۴۳ - ۴۲۹ ق/ ۹۵۴ - ۱۰۳۸ م)، عالم فاضل، نقیب النقبای عراق، جلیل القدر، عظیم الشأن و از سادات حمزیه قمی.

وی چنانکه در تاریخ قم نوشته در سال ۳۴۳ قمری از جاریه و کنیزکی ترکی، در قم دیده به جهان گشود و پرورش

میراث شهاب

اولادهای^۱ حضرت امام زین العابدین علیه السلام است و نسب شریف او بدین طریق است: «السلطان محمد شریف ابن علی بن محمد بن حمزة بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام و این عبدالله الباهر با حضرت امام محمد باقر علیه السلام از یک مادر بودند که فاطمه دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام باشد و اینکه او را «باهر» گویند، به جهت نیکویی صورت او بوده و کنیه سلطان محمد شریف، ابوالفضل است و پدرش و دو جد او در قبرستان بابلان مدفون اند که ذکر شد و این دو بزرگوار صاحب اعقاب کثیره می باشند و صاحب حشمت و جاه بوده اند در قم.

در کتاب عمدة الطالب او را محمد الشریف الفاضل تعبیر نموده اند و به این طریق می فرماید از بنی احمد حمزة بن احمد و معروف است به حمزة القمی و از برای او اعقابی است، بعضی از آنها ابوالحسن علی الزکی نقیب ری ابن ابی الفضل محمد

→ یافت. نیای بزرگ وی حمزة بن احمد از طبرستان به قم آمد و در این شهر سکونت کرد و در همانجا وفات یافت و در مقبره بابلان دفن شد و پسرش ابو جعفر محمد بن حمزه، پس از وفات پدرش، رئیس و پیشوا گردید و چند ضیعت در قم پدید آورد و پل وادی و اشجان را ایجاد کرد و رباطی ساخت. و پسرانش ابوالقاسم علی و ابومحمد حسن متولد شدند و پس از وفات، او را نیز در کنار پدرش در همان مقبره بابلان دفن کردند. پسرش ابوالقاسم که جوانی فاضل، کامل و عاقل بود، به جای پدر نشست و غیر از املاکی که از پدرش به ارث رسیده بود، خود نیز، املاکی به دست آورد و پیشوا و مقدم سادات گردید و نقابت علویان قم را پس از عمویش علی بن حمزه به عهده گرفت. ابوالقاسم در ۳۴۵ قمری به حج مشرف شد و در ربیع الاخر ۳۴۶ قمری، به قم بازگشت و در روز جمعه آخر شعبان ۳۴۷، در قم چشم از جهان فرو بست و او را در قبه متصل به مشهد پدرش دفن کردند. وی وصیت کرد که تربیت پسرش ابوالفضل را برادرش ابومحمد حسن بن محمد، به عهده بگیرد. او تحت تکفل عمویش به کسب علم و معرفت پرداخت و به سن رشد رسید و چون بالیده شد و به حد کمال و بلوغ رسید، مجموع ماترک پدری را از سرپرست خود عمویش تحویل گرفت و سپس با دختر ابوالحسن علی بن احمد موسوی که سیدی جلیل القدر بود ازدواج کرد و صاحب فرزندی به نام ابوالحسن علی الزکی شد که جد امامزاده یحیی مدفون در تهران است.

ابوالفضل محمد شریف در سال ۴۰۰ قمری به خواهش طرفداران مجدالدوله به ری رفت و در روز عاشورا با لباس و عمامه سبز مجللی نزد ملکه ری - مادر مجدالدوله - رفت و از مجدالدوله که در زندان مادرش بود، شفاعت کرد و چندان کوشید تا ملکه فرزند خود را بخشید و از زندان آزاد ساخت. مجدالدوله و در ماه صفر همان سال بر سریر سلطنت تکیه زد و محمد شریف شفاخواه خود را به عنوان نقیب النقبای عراق برگزید و ملقب به «سلطان محمد شریف» کرد. او در سال ۴۲۹ قمری، در زمان حکومت علاءالدوله کاکویه، در ری دیده از جهان فرو بست و جسدش را با کمال احترام به قم انتقال داده و در کاخ و باغ تفرجگاه خودش در شمال رودخانه یعنی در محله سلطان محمد شریف که آن زمان نزدیک دروازه قلعه قم بود، به خاک سپردند: تاریخ قم، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ عمدة الطالب، ص ۳۱۳؛ الشجرة المباركة، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ انوار المشعین، ۱/۱۷۶، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۲۰، ۵۲۱ و ۱۴۵/۲-۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۴-۱۶۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۲۹؛ گنجینه آثار قم، ۲/۲۳۶-۲۳۹؛ تربیت پاکان، ۱۰/۱/۲؛ ریاض المحدثین، ص ۷۲۸.

میراث شهاب

الشریف الفاضل ابن ابی القاسم علی نقیب قم ابن محمد بن حمزة المذكور و از برای او اعقابی است؛ بعضی از آنها نقبا و ملوک ری می‌باشند.^۱

الحاصل امامزاده سلطان محمد شریف بسیار امامزاده جلیل القدری است، جناب شیخ محمد حسن چهارمردانی فرمودند که در خواب دیدم در بقعه سلطان محمد شریف وارد شدم، دیدم که سید جلیل القدری نشسته بود و یکی هم در نزد او خوابیده و قطیفه‌ای بر روی او کشیده شده و شخصی هم به در بقعه ایستاده، از آن شخص که بر در بقعه ایستاده بود سؤال کردم این شخص کیست؟ عرض کرد که سید سجاد علیه السلام است و اینکه قطیفه بر روی او کشیده شده سلطان محمد شریف می‌باشد که حضرت سید سجاد علیه السلام به دیدن او آمده است.^۲

[بقعه] سید سربخش علیه السلام^۳

بقعه او واقع است در محله موسویان. بقعه کوچکی دارد و گنبد او کاشی است

۱. عمدة الطالب، ص ۳۱۳.

۲. گنبد سلطان محمد شریف که در محله‌ای به همین نام واقع شده، از بناهای خوب و پاکیزه سبک معماری و تزئینی سده‌های نهم و دهم هجری و شاید اندکی فراتر بوده که چند دهه پیش ویران شده و به جای آن گنبد مرتفعی بنیاد نهاده شده است. اکنون تنها اثر قدیم این مزار لوح کاشی فیروزه‌ای رنگ روی مرقد است که از قرن هفتم و هشتم هجری بازمانده است:

«هذا المضجع المبارك للسید المظلوم المعصوم الشهید شریف بن شریف من اولاد الامام المعصوم زین العابدین بن الامام الشهید المعصوم ابو عبدالله الحسین بن الامام الهمام مولی جمیع الانام علی بن ابی طالب علیه السلام». بنای این بقعه از داخل و خارج، هشت ضلعی با درگاهی تنگ و ایوانچه‌ای است که از قطر پایه بیرون داده‌اند. دهانه بقعه، از داخل ۸ و ارتفاعش ۱۲ متر و به صورت هشت ترکی مختلف الاضلاع است که در چهار جهت اصلی آن، چهارشاه نشین به دهانه ۳/۵ و عرض‌های مختلفی از ۱/۵ تا ۳ متر ساخته شده است و در جهات فرعی آن، صفحه‌ای محرابی و پنج ترکی به دهانه ۱/۱۰ متر نمودار است. گنبد سابق بقعه، هرمی شکل بوده است که خراب شده و اکنون بر فراز پوشش عرقچینی و گنبد هلالی شکل آن، قبه‌ای شلجمی بالا برده‌اند.

در این بقعه تزئینات کاشی‌کاری وجود داشته است که قسمتی از آنها در حاشیه ازاره سیمانی جدید به کار رفته است. این کاشیهای نگین‌نشان و منقش هفت رنگ از آثار اواخر صفویه یا اوایل قاجاریه است که مانند قابی چهار جانب ازاره سیمانی تعمیری را احاطه کرده است. در ضلع غربی بقعه مسجد یا مقبره‌ای است چشمه پوش، بر فراز ستونی مضلع آجری و سفید کاری و جلو ایوانچه صحنی است کوچک به دهانه ۱۰ در ۱۲ متر که سابقاً مسقف و حسینیه بود: گنجینه آثار قم، ۴۳۸/۲ - ۴۳۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۹.

۳. در شهر قم به نوشته فیض: دو بقعه مشهور به «بقعه سید سر بخش» وجود داشته که مدفون در یکی از آنها همان محمد عزیزی بوده که در تاریخ قم قدیم، ماجرای قتل او نقل شده و دیگری به نام اسماعیل است که به قرن هفتم هجری مربوط می‌شود و دو قرن و نیم پس از تاریخ قم یاد شده است و نام و نسب این سید سر بخش دوم در هیچ یک از منابع تاریخی ذکر نشده و به همین دلیل برخی از نویسندگان از جمله صاحب انوار المشعشعین و کتاب بناهای آرامگاهی ←

وصحن باصفایی دارد و به امامزاده اسماعیل معروف است، اما صاحب کتاب: تاریخ قم،

→ سید سربخش اول را با سید سربخش دوم به هم آمیخته‌اند و جریان این دو به صورت مشتبه و گنگی در آمده است. این دو گنبد یکی در قسمت جنوبی تکیه درخت پیر و مقابل آن درخت بود که گنبد و بقعه‌اش در اثر احداث خیابان آذر در مسیر آن، به کلی منهدم گردید. جایگاه بقعه درست در وسط سطح خیابان قرار گرفت؛ دیگری بقعه و بارگاهی است که در کوچه سید سربخش در محله سید سربخش در خیابان آذر، نرسیده به نکویی واقع شده است. مدفون در بقعه مجاور تکیه درخت پیر همان محمد عزیزی است که در تاریخ قم از او یاد شده؛ اما مدفون در گنبد کوچه سید سربخش در محله سید سربخش امامزاده اسماعیل است که از بزرگان نقبا و از شرفا و فضلالی سادات در خطه خراسان بوده است و از احفاد امام صادق علیه السلام و از نوادگان سید سربخش اول است. نام و نسب این دو سید سربخش به این شرح است:

الف: سید محمد عزیزی، معروف به سید سربخش که در بقعه مقابل درخت پیر و در جنوبی تکیه درخت پیر مدفون بوده و اکنون ویران شده است. نام و نسبش چنانکه در تاریخ قم آمده، عبارت است از: «سید محمد بن عبدالله عزیز بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر صادق علیه السلام». مادر وی فاطمه خاتون خواهر شاهزاده احمد بن قاسم است که در قبه برادرش دفن شده است.

سید محمد عزیزی سیدی دلاور و قوی الجثه و شجاع و نیرومند بود که در اواخر سده سوم برای زیارت عتبات عالیات با کاروانی عازم بغداد شد و در نزدیکی نهروان با گروهی از راهزنان روبرو گردید و کاروانیان به وی توسل جسته و کمک خواستند تا نزد راهزنان وساطت و شفاعت کند و او چنین کرد، اما آنان وی را شهید کردند و سرش را بریدند و برای مهترشان بردند و بدن بی سر او را غلامانش به کمک مردم خیر قم به قم آوردند و در خانه مسکونی‌اش در نقطه یاد شده، نزدیک مسجد رضائیه که قسمتی از آن اکنون کنار خیابان آذر باقی است، به خاک سپردند و یکی از نزدیکان وی به دنبال راهزنان رفت و به هر کیفیتی بود سر سید را باز پس گرفت و پس از چند روز که بدن سید را دفن کرده بودند، به قم رسید، از این رو سر او را هم در گوشه بقعه جدای از تن دفن کردند. شاید دلیل ملقب شدن وی به سید سربخش همین بوده که او سر خود را در راه نجات کاروان بخشید و بعد جدای از تن دفن شد. به هر حال پس از دفن بر فراز قبرش بقعه‌ای که از خارج به شکل برج و از داخل چهار ضلعی متساوی به دهانه چهار متری بود با قبه عرقچین بنا نهادند و ضریحی هم نداشته و بعدها هم قهوه‌خانه تکیه در مواقع سوگواری و انبار اثاث تعزیه داری در ده ماهه باقی سال بوده است. از این بقعه فقط دو مرقده سنگی وجود داشته یکی به ارتفاع ۵۰ و عرض ۷۰ سانتی متر و طول ۲ متر با لوحی سنگی دارای کتیبه‌ای در دوازده سطر به خط برجسته و ثلثی که از نام و نسب سید محمد عزیزی حکایت داشته و فیض آن را دیده که به عنوان سنگ پل روی جدول کنار خیابان قرار داشته و بعد به خواهش او برداشته و در پلکان مسجد به کار گرفته‌اند که تفصیل آن را گنجینه آثار قم نوشته است.

ب. گنبد و بقعه موجود در محله سید سربخش که اکنون با برجاست از ابو المعالی اسماعیل بن عبدالله بن حسین بن محمد بن حسین بن احمد بن محمد عزیزی بن (عبدالله بن) حسین بن محمد اطروش بن علی بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام صادق علیه السلام است که از نوادگان سید سربخش محمد عزیزی است که پس از کسب علم و کمال به خراسان و نیشابور رفت و از طرف سلطان محمد خوارزمشاه به مقام نقیب النقبایی کشور رسید و با حمله مغولان به قم مهاجرت کرد و همو بود که مسبب اصلی پایداری و عدم تسلیم شهر به مغولان بود و عاقبت هم در این راه کشته شد و سر او را از تنش جدا کردند و پس از اینکه بدنش را در خانه مسکونی‌اش دفن کردند، سر او را نیز، در میان دیگر سرهای بریده شناسایی نموده و در کنار بدنش به خاک سپردند و بعدها در سال ۷۷۴ قمری، بقعه‌ای بر فراز مزار وی بنا کردند که از آثار هنری ابو شجاع علی بنا، به امر میرغیاث‌الدین محمد فرزند علی صفی - شهریار عراق - است. برای شرح حال این دو مراجعه شود به: تاریخ قم، ص ۲۲۲-۲۲۳؛ گنجینه آثار قم، ۲/۳۸۳-۴۰۲؛ آشنایی با استاد بزرگ در هنر گجبری ایران، ص ۳۶-۴۷؛ دایرة المعارف تشیع، ۲/۴۶۹-۴۷۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ انوار المشعشعین، ۱/۵۳۹ و ۲/۲۲۸، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۴۳؛ الکواکب المشرقة، ۱/۲۷۸-۲۸۱؛ معجم الادباء، ۶/۱۴۲-۱۵۰؛ الوافی بالوفیات، ۹/۱۰۸-۱۰۹؛ تربت پاکان، ۲/۶۱-۶۴.

میراث شهاب

نسب شریف او را به این طریق نوشته است: «محمد بن عبدالله بن حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر صادق علیه السلام» در کتاب: تاریخ قم مذکور است که این محمد بن عبدالله از قم رفت طرف بغداد و او را به نهروان کشتند و تابوت او را به قم آوردند و نزدیک مسجد رضائیه دفن کردند.

مؤلف گوید که: ظاهراً او همین مدفون در این بقعه مذکوره باشد، زیرا که در حق هیچ یک از امامزادگان که در شهر قم مدفون اند، ندارد که او را شهید کرده باشند، مگر محمد بن عبدالله و مشهور شده است به «سید سر بخش» و در کنار بقعه قبر کوچکی است که مقدار یک چهار یک از زمین مرتفع است، می‌گویند چون او را شهید کردند، سر او را در این مکان دفن کردند و العلم عندالله.

امامزاده سید ابوالحسن

حاجی نوری، در کتاب بدر مشتع^۱، می‌فرماید که در کتاب تاریخ قم، نوشته است که: «اول کسی که از سلسله جلیله سادات حسینی که به قم آمد ابوالحسن (حسین بن)^۲ حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امام جعفر الصادق علیه السلام^۳ بود.

۱. بدر مشتع، ص ۲۷-۲۹.

۲. تکمیل از «تاریخ قم، ص ۲۱۱» و از دیگر منابع در برخی منابع مانند انوار المشعین در یک مورد که از وی نام برده او را: «ابوالحسن حسن بن حسین...» معرفی کرده، در حالی که در جایی و موردی دیگر «حسین بن حسین...» نوشته است. به هر حال: «حسین بن حسین...» صحیح است.

۳. سید ابوالحسن حسین بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امام جعفر الصادق علیه السلام از سادات ساکن قم بوده است و جد بزرگ او محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام همان کسی است که نزد هارون الرشید خلیفه عباسی، به شکایت از عموی خود امام موسی کاظم علیه السلام اقدام کرد و اسرار آن حضرت را نزد هارون فاش ساخت و موجب دستگیری و زندانی شدن امام گردید. با این حال امام در حق او و اولادش دعا کرد و به او احسان نمود و جد دیگر او جعفر بن محمد، شاعر بوده است که بعضی از اولاد او به «بنو بضيض» معروف و در مصر، سکونت داشته‌اند و برخی از آنها در مغرب می‌زیسته‌اند. به هر حال ابوالحسن حسین بن حسین بن جعفر، پس از توبه از شراب‌خواری، و روی به زهد و عبادت آوردن، در قم چشم از جهان فرو بست و او را در مقبره بابلان در جوار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپردند و بر تربتش، قبه‌ای متصل به قبه فاطمه (س) بنا نهادند به طوری که دری از بقعه او به بقعه حضرت معصومه (س) گشوده می‌شد: تاریخ قم، ص ۲۱۱-۲۱۳؛ گنجینه آثار قم، ۳۹۶/۱، ۳۹۷-۳۹۸ و ۵۳۹/۲؛ انوار المشعین، ۵۰۵/۱-۵۰۶ و ۳۴۲/۲-۳۴۳ و نک: عمدة الطالب، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ بدر

میراث شهاب

و از مشایخ قم روایت است که سید ابوالحسن، شراب آشکارا کردی، روزی قصد سرای احمد بن اسحاق اشعری^۱ کرد، به سبب حاجتی که او را بود و احمد به قم وکیل اوقاف بود، چون ابوالحسن به نزدیک سرای احمد رسید، احمد او را راه نداد و او را از صحبت خود منع کرد؛ ابوالحسن ملول و غمگین به منزل خود مراجعت کرد، بعد از آن احمد بن اسحاق قصد خانه کعبه کرد، چون به «سَر من رأ»^۲ رسید، خواست به خدمت حضرت امام حسن العسکری^{علیه السلام} تشریف حاصل کند، چون به «سَر من رأ» رسید، دستوری خواست، امام^{علیه السلام} او را اجازت دخول نداد و او را از زیارت و صحبت خود منع نمود و بار نداد، پس احمد متحیر ماند و درماند و نمی دانست که به چه سبب او را از صحبت و زیارت خود، منع می کند. احمد بسیاری سر بر آستانه آن حضرت نهاد و بگریست و گفت: ای نور دیده هر دو عالم و ای برگزیده اولاد آدم، چه بی ادبی از من صادر شده که مرا به حضرت خود راه نمی دهی؟ پس امام^{علیه السلام} او را دستوری داد و درآمد و فرمود که ای احمد! یاد داری که فرزند زاده ما ابوالحسن در شهر قم، به در خانه تو آمد، تو او را بار نداری! احمد بگریست و سوگند خورد که من او را از صحبت خود منع نکردم الا برای آنکه ترک شرب خمر کند و از آن توبه کند؛ امام^{علیه السلام} گفت: ای احمد! راست گفתי ولیکن باید حق سادات علویه را بشناسی و ایشان را حرمت بداری، در هر حالی که باشند و به نظر حقارت در ایشان نظر نکنی که پشیمان می شوی و گرفتار آیی. چون احمد ابن اسحاق، به قم مراجعت نمود سید ابوالحسن در صحبت جمعی بسیار از مردم، به دیدن احمد رفت و چون نظر احمد بر سید ابو الحسن آمد، از جای برجست و به نزد او باز دوید و او را بسیار اعزاز و اکرام نمود، تا او را در صدر مجلس بنشانید، سید ابوالحسن چون این حالت غریب را

۱. ابو علی احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک احوص اشعری قمی (متوفای حدود ۲۵۸ ق/۸۷۲ م)، از اصحاب حضرت امام جواد و امام هادی^{علیهم السلام} و از خواص و بلکه وکیل امام حسن عسکری^{علیه السلام} در قم بوده که به قول مشهور مسجد امام حسن عسکری^{علیه السلام} را به امر آن حضرت در قم بنا نموده و در مراجعت از سامرا در حلوان چشم از جهان فرو بسته و کفن او را امام عسکری^{علیه السلام} برایش فرستاده و قبرش اکنون در سر پل ذهاب زیارتگاه است: رجال شیخ طوسی، ص ۳۹۸؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۵۰؛ رجال نجاشی، ص ۷۱؛ رجال علامه حلی، ص ۱۵؛ الوجیزة مجلسی، ص ۱۴۴؛ تنقیح المقال، ۳۰۱/۵ - ۳۰۹؛ منتهی المقال، ۲۳۳/۱؛ گنجینه آثار قم، ۶۷۳/۲، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۴؛ گنجینه دانشمندان، ۶۴/۱ - ۶۵؛ بدر مشعشع، ص ۲۹ - ۳۰؛ تربت پاکان، ۱۰۱/۲؛ بحار الانوار، ۳۶۰/۱.

میراث شهاب

ملاحظه نمود، از او سؤال کرد که در این مدت هرگز چنین لطف و ترحیب درباره من نکردی، این نوبت موجب چیست؟ احمد قصه رفتن خود به صحبت حضرت امام حسن العسکری علیه السلام به سر من را و منع کردن امام علیه السلام او را از صحبت خود، به سبب سید ابوالحسن باز گفت و چون ابوالحسن این قصه را شنید، بسیار گریست و گفت: امام علیه السلام تا بدین غایت، حرمت ما را نگاه دارد، پس روا نباشد که من به غیر از رضای خدای عمر و زندگانی گذارم، پس گفت: توبه کردم و به درگاه حق رجوع نمودم و پشیمان شدم از افعالی [که] از سر جهل و نادانی مباشر آن می شدم و برخاست^۱ و به سرا و منزل خود بازگردید و آلات شراب را بشکست و همه اوقات در مسجد اعتکاف گرفت، تا آنگاه که او را وفات رسید و او را به مقبره بابلان دفن کردند و قبر او به قبه فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام متصل و باز از این دری که از شهر روی^۲ بدان آرند، چون به زیارت فاطمه می روند و از او پسری یادگار بماند علی نام و از علی ابوعبدالله الحسین به وجود آمد و از ابو عبدالله الحسین علی در وجود آمد. تا اینجا کلام صاحب تاریخ قم بود.^۳

مؤلف گوید که: در طرف شمالی روضه مطهره معصومه علیها السلام حجره کوچکی است که آنجا صورت قبری می باشد، مقدار نیم زرع از زمین مرتفع است، مشهور است که آن قبر سید ابوالحسن است.

۱. در اصل: «برخواست».

۲. در تاریخ قم: «از شهر ری».

۳. تاریخ قم، ص ۲۱۱ - ۲۱۳.

به نظر می رسد این خبر و داستان چندان صحت نداشته باشد، زیرا با روح مساوات اسلامی منافات دارد. آنجا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دختر خود، فاطمه اطهر علیها السلام می فرماید: دخترم تو خود باید به فکر اعمال نیک و رفتار خود باشی؛ اگر نه انتساب به من نتیجه ای به حال تو در عالم آخرت ندارد و آنجا که علی علیه السلام خود خلیفه اول مسلمین و پیشوایی مؤمنین است و فرد اول مسلمانان است، در مقابل دعوی حقوقی یک نفر یهودی علیه وی به محکمه قضا می رود و موافق موازین شرعی اسلامی با مدعی در یک صف مقابل قاضی می ایستد و حتی به قاضی که در موقع خطاب، آن حضرت را امیرالمؤمنین می نامد، هشدار می دهد که مرا عاری از مقام و منصب در نظر بگیر و بین ما دو نفر قضاوت کن، چگونه امام پاکی که خود تربیت شده دامن این خاندان است، حاضر می شود به فرد شراب خواری در برابر احکام شرعی و مرد مقدس که از پاکدامنی و امانت داری و کیل خود آن حضرت است، امتیازی بدهد؟ اگر چه آن شخص گنه کار و خلاف کار از فرزندان و از خانواده خود آن حضرت باشد. البته می توان به توجیه این خبر دست زد، اما نباید دامن دین اسلام و خاندان نبوت و امامت را بدین گونه موضوعات بیالاییم که افراد مغرض و جاهل از آن علیه اسلام و اهل بیت رسالت، استفاده کنند.

شاهزاده ناصر علیه السلام:^۱

بقعه او واقع است در بازار طرف شمال، مقابل درب مسجد امام علیه السلام بقعه بزرگ عالی دارد^۲ و این شاهزاده ناصر از نبایر و نتایج حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است و نسب شریف آن امامزاده از قراری که صاحب کتاب عمدة الطالب، نوشته است از این قرار است: ناصر الدین علی بن مهدی بن حسین بن محمد بن احمد بن جعفر بن عبدالرحمن بن محمد البطحائی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن المجتبی علیه السلام^۳ و نسب او به یازده پشت به حضرت امام حسن علیه السلام می‌رسد. و وفات صاحب کتاب که این مطلب را فرموده، در سنه هشتصد و بیست و هشت بوده و عبارت صاحب کتاب این است که امامزاده ناصر الدین علی مدفون است به «شق قم» در مدرسه واقعه در محله «سورانیک»^۴.

۱. شاهزاده ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالرحمان بطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام که در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری می‌زیسته و امامزاده و سید جلیل‌القدر و عظیم‌الشأنی بوده است و چنانکه از نوشته ابن عنبه برمی‌آید، وی صاحب شخصیت و شهرت بوده است. فیض معتقد است که یازده واسطه در این نسب نمی‌تواند درست باشد و گویا وساطتی در این نسب‌نامه ساقط شده است: عمدة الطالب، ص ۸۰، ذیل اعقاب محمد بطحایی؛ انوار المشعین، ۵۴۶/۱-۵۴۷ و ۱۲۰/۲-۱۲۱؛ گنجینه آثار قم، ۴۱۲/۱ و ۶۸۴/۲، ۶۸۵، ۶۸۶؛ تربت پاکان، ۱۰۳/۲-۱۰۴؛ ریاض‌المحدثین، ص ۵۱۴.

۲. بقعه شاهزاده ناصر که اکنون نزدیک چهار راه بازار و در مسیر خیابان آذر، نزدیک پل علیخانی، برابر مدخل مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قرار دارد و نیمی از بقعه در مسیر خیابان واقع شده و آنچه مانده بنایی است چهار ضلعی، از آثار قرن دوازدهم هجری یا اواخر دوره صفویه است که همزمان با ایوان مسجد امام بنیان نهاده شده است. این بقعه به صورت مربع مختلف الاضلاع، به دهانه ۴/۵۰ در ۴/۲۰ متر با ازاره‌ای به ارتفاع یک متر، مزین به کاشی‌های فیروزه‌ای فام ساده و خشتی است که در میانه قابی از کاشی‌های دانه نشان منقش به عرض ده سانتی متر قرار داده شده‌اند و بالای آن تمام جدار سفیدکاری ساده تهی از تزیینات هنری است و پوشش آن رسمی بندی می‌باشد. در میانه بقعه ضریحی مشبک و رنگین از چوب و درون آن مرقدی است که چهار بدنه و سطح بالای آن آراسته به کاشی‌های خشتی فیروزه فام ساده در میانه قابی از همان نوع کاشی‌های دانه نشان است و گنبد آن عرقچینی و آجر پوش می‌باشد: گنجینه آثار قم، ۶۸۴/۲، ۶۸۶.

۳. عمدة الطالب، ص ۸۰، ذیل اعقاب محمد بطحایی.

۴. متن عبارت ابن عنبه به این صورت است: «قال ابوالحسن العمری: وما يعلم لعبد الرحمان البطحایی الی یومنا هذا ولداً، فاذا کان ذلک کذلک فی زمانه، فقی هذا الزمان اولی. و قد وجدت مَن انتسب الیه ناصر الدین علیاً بن المهدي بن محمد بن الحسين بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن عبدالرحمان بن محمد البطحایی المدفون بسوق (سبق) قم فی المدرسة الواقعة بمجلة سورانیک». بر این اساس ابوالحسن عمری در زمان خود کسی یا کسانی را به عنوان فرزندان و نبیرگان محمد بطحایی نمی‌شناخته، ولی منکر اعقاب وی نشده است. بهترین دلیل بر اینکه محمد

میراث شهاب

پس در قم بقعه‌ای به این نشان معلوم نیست و «شق» یعنی به طرف و کنار قم وایضاً در آنجا مدرسه‌ای بوده است و الحال مخروبه شده است، شاید آثار کمی معلوم شود که آنجا مدرسه بوده و در پشت بازار واقع است.^۱

و اینکه مشهور است که این بقعه احمد بن اسحاق اشعری^۲ است که وکیل حضرت امام حسن عسکری^{علیه السلام} بوده، غلط است، زیرا که احمد بن اسحاق در پل ذهاب در حلوان وفات کرده است و وجه شهرتش به بقعه احمد بن اسحاق شاید این

→ بطحایی دارای اولاد و نواده بوده سخن ابن عنبه است که کسی مانند: ناصرالدین علی را یافته و معرفی کرده است: عمدة الطالب، ص ۸۰

کلمة «سورانیک» که صحیح آن «سور ایپک» است و به معنای بارویی است که امیر ایپک، سپهسالار لشکر سلطان برکیارق، در قم بنا نهاد و چون صاحب عمدة الطالب باروی ایپک را معرب نمود، به عنوان: «سور ایپک» ضبط کرد و بعداً در ضبط و استنساخ آن اشتباهی رخ داده و به صورت: «سورانیک» درآمده و به نوشته فیض، حتی علمای اعلام این نام مشتبه و مخلوط را بر زبان می‌آورند، تا اینکه نگارنده (یعنی فیض) ضمن تتبع برای نخستین بار، بر این اشتباه پی برده، به تصحیح آن پرداخت و اکنون این معمای حل شده و رایج است: گنجینه آثار قم، ۶۸۵/۲

۱. محمد علی کچوئی قمی هم گوید: «زیرا که در آنجا مدرسه‌ای بوده در زمان قدیم و امروزه زمین مدرسه در پشت بازار موجود است و آب انباری هم در درب آن مدرسه می‌باشد و شایع است که در آنجا مدرسه بوده و کنار قم واقع بوده است و گرچه آن محل را اکنون «سورانیک» نمی‌گویند، اما در گذشته به همین نام بوده است.»

فیض نوشته است که «شق» اگر به فتح شین باشد، بر موضعی جدای از شهر یا «الموضع المشقوق» مکان جدا شده از آن اطلاق می‌گردد و اگر به کسر شین خوانده شود به معنای ناحیه است. به عقیده فیض به فتح شین درست است، زیرا مدرسه‌اش در قسمت جدای از شهر قرار داشته است: انوار المشعشعین، ۱۲۰/۲ - ۱۲۱؛ گنجینه آثار قم، ۶۸۵/۲

۲. ابوعلی احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک احوص اشعری قمی (متوفای حدود ۲۶۳ ق/ ۸۷۶ یا ۸۷۷ م)، عالم و محدث جلیل‌القدر و از اصحاب امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری^{علیهم السلام} و وکیل امام عسکری^{علیه السلام} در قم و یکی از سفیران و ابواب معروف ائمه که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کرده و مکاتباتی با آن حضرت هم داشته و از این چند امام روایت کرده و از یاسر خادم و زکریا بن آدم و جماعتی مانند: احمد بن محمد بن عیسی، محمد بن حسن صفار، علی بن ابراهیم بن هاشم، از او روایت کرده‌اند و دارای آثار و تألیفاتی است، از جمله: علل الصلاة و مسائل الرجال و علل الصوم که مجموعه‌ای از مسائل است که امام هادی به آنها جواب داده و در آن رساله ترجمه و شرح حال مختصری از اصحاب امام هادی^{علیه السلام} است. در بازگشت از زیارت امام حسن عسکری^{علیه السلام} در «حلوان» - شهر سر پل ذهاب کنونی - چشم از جهان فرو بست و قبرش در آنجا زیارتگاهی و معروف است. خبر وفات وی در زمان امام حسن عسکری^{علیه السلام} را شیخ صدوق به نقل از سعد بن عبدالله روایت کرده است، اما در منابع دیگر آمده است که وی در زمان امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و در غیبت صغری وفات یافته و امام عصر^{علیه السلام} برای او کفن فرستاده است: کمال الدین و تمام النعمة، ۴۶۴/۳ باب ۴۳ حدیث ۲۲؛ اعلام الوری، ۲۵۹/۲؛ رجال کثی؛ ص ۵۰۷؛ رجال طوسی، ص ۳۹۸، ۴۲۷؛ فهرست طوسی، ص ۵۰؛ رجال نجاشی، ص ۷۱ (۹۱) رجال ابن داود، ص ۳۶؛ رجال علامه حلی، ص ۱۵؛ رجال قم، ص ۹۱؛ بحار الانوار، ۱۲۰/۳۱؛ الوجیهة، ص ۱۴۴؛ حاوی الاقوال، ۱۷۰/۱؛ معالم العلماء، ص ۱۴؛ تنقیح المقال، ۵۰/۱ (۳۰۹-۳۰۱/۵)؛ تهذیب المقال، ۳۳۴/۳ - ۴۵۰؛ جامع الرواق، ۱/۱ - ۳۲؛ دایرة المعارف نشیع، ۱/۱۴؛ مرآة المعارف، ۱/۱۸؛ معجم رجال الحدیث، ۴۷/۲؛ منتهی المقال، ۲۳۳/۱ - ۲۳۴؛ موسوعة مؤلفی الشیعة، ۱۵۶/۳ - ۱۵۷؛ الذریعة؛ ۱/۹۴ و ۱۵/۳۱۴ و ۲۰/۳۴۷.

باشد که چون وکیل حضرت بوده، در این ناحیه و اطراف او، مسجد را به امر حضرت بنا نموده و بقعه‌ای هم برای خودش بنا کرده باشد که او در آن بقعه دفن کنند، لهذا مشهور شده به «بقعه احمد بن اسحاق»^۱.

فصل هفتم

در ذکر امامزادگانی که در خارج شهر قم واقع است:

شاهزاده احمد علیه السلام^۲

بقعه مبارکه او واقع است در خاکفرج^۳، طرف شمالی قم، در خارج دروازه معصومه علیها السلام از نتایج و نبایر حضرت امام زین العابدین علیه السلام است و نسب شریف او از این قرار است:

۱. به نوشته فیض: رمز انتساب این بقعه به احمد بن اسحاق اشعری در افواه عمومی این بوده است که بر مبنای اینکه احمد بن اسحاق این مسجد را به امر امام عسکری علیه السلام بنا نهاده است، چنین شهرت یافته بود و احمد بن اسحاق، پس از احداث مسجد مزبور این بقعه را هم جهت مدفن خویش بنا نهاد، اما در هنگام مراجعت از سامرا، در سر پل ذهاب وفات یافت و در آنجا به خاک سپرده شد و این بقعه خالی باقی ماند، و چون ناصر الدین علی بن مهدی بطحایی در سال ۸۲۸ قمری در قم وفات یافت، جسد او را در این بقعه به خاک سپردند: گنجینه آثار قم، ۶۸۴/۲ - ۶۸۵.

۲. ابوالحسین احمد بن ابی‌الخیر محمد بن علی بن عمر بن حسن افضس بن علی الاصفغری امام زین العابدین علیه السلام (متوفای ۳۷۵ ق/ ۹۸۵ م)، امامزاده جلیل‌القدر و سید عظیم‌الشانی بوده و پدر علی حارث و احتمالاً پدر علی‌الرضای مدفون در ساوه است.

از تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعات زیادی در دست نیست و فقط می‌دانیم که وی از سادات عمری و از احفاد حسن افضس به شمار می‌رود: در تاریخ قم راجع به وی چنین نوشته است: «دیگر از فرزندان عمر بن الحسن بن علی بن علی که به قم آمدند، محمد بن علی بن محمد بن علی بن عمر بن الحسن بن علی بن علی است و از محمد بن علی ابوالحسین احمد و ابو عبدالله الحسین در وجود آمدند و مادر ایشان دختر حسن بن علی بن عمر بوده است و ابو الحسین، به شهر قم، به وجه معاشی که او را بوده است، اقتصار [یا اقتصاد] کرده است و از ابوالقاسم علی در وجود آمده است و از علی بن احمد بن محمد ابوالفضل و ابوسهل در وجود آمدند و ابو عبدالله الحسین از قم به بغداد رفت و آنجا ساکن شد، تا آنگاه که وفات یافت در سنه اربع و سبعین و ثلاثمأة و ابو الحسین بن محمد در سنه خمس و سبعین و ثلاثمأة، به شهر قم وفات یافت» (تاریخ قم، ص ۲۲۹ - ۲۳۰). از نوشته تاریخ قم استفاده می‌شود که به احتمال زیاد فضل علی و سهل علی که در کوه‌های نزدیک ساوه مدفون هستند، از فرزندان حارث بن احمد ابوالحسین هستند که در تاریخ قم با عناوین «ابوالفضل» و «ابوسهل» معرفی شده‌اند، نک: گنجینه تاریخ قم، ۲۸۲/۲، انوار المشعشعین، ۱/ ۵۴۰ و ۶۶/۲، ۲۰۴-۲۰۵؛ تربت پاکان، ۸۳/۲ - ۸۶.

۳. شهرت نام «خاکفرج» تا حدی است که نام امامزادگان این بقعه را تحت الشعاع قرار داده است؛ تا آنجا که به جای زیارت از شاهزاده احمد و شاهزاده حارث فرزند وی، مردم به زیارت خاکفرج می‌روند. نام «خاکفرج» که به عقیده برخی «خاکبرک» بوده، به مرور زمان حرف کاف دوم آن تبدیل به «جیم» شده و آن را «خاکفرج» خوانده‌اند و بر اساس افسانه‌ها، این محل قبلاً آتشکده‌ای فروزان بوده که بعدها تبدیل به یک مکان مقدس اسلامی شده است: گنجینه آثار قم، ۲۷۲/۲ - ۲۷۴.

میراث شهاب

«احمد بن محمد بن علی بن حسن بن علی بن امام زین العابدین (ع)» در کتاب تاریخ قم مذکور است که: «شاهزاده احمد مذکور، در سنه سیصد و هفتاد و پنج، در قم وفات نمود^۱ و این امامزاده بزرگوار دارای بقعه و قبه عالیه و ضریح و صحن متعدده است. گنبد بزرگ کاشی دارد و بقعه مطهره در وسط دو صحن واقع است.^۲»

شاهزاده ابراهیم و شاهزاده محمد (ع)

این دو امامزاده بزرگوار، در یک بقعه و در یک مرقد مدفونند و بقعه ایشان واقع است در خارج دروازه معصومه (ع) در طرف غربی شهر قم در کنار شهر نو و بقعه‌ای است مثنی و مرتفع و مصفا و مزوح در وسط بیابان و گنبدی دارد از آجر و از احفاد حضرت موسی بن جعفر (ع) است و نسب هر کدام به شش پشت به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. نسب شاهزاده ابراهیم، بدین طریق است: «ابراهیم بن محمد بن

۱. تاریخ قم، ص ۲۲۹.

۲. بقعه شاهزاده احمد، دو ایوان با چندین حجره و غرفه و صحن دارد. قاعده گنبد از خارج هشت ضلعی و تهی از مرافق و بیوتات و دارای چهار ایوانچه سه متر در یک متری، در قطر پایه به سبک سده هفتم هجری و هیئت ساختمان بقعه از داخل چهار ضلعی متساوی به دهانه ۶ و ارتفاع ۱۲ متر، دارای چهار شاه‌نشین، هر یک به دهانه سه و عرض یک متر در محاذی ایوانچه‌های خارجی که نیز، در قطر پایه ساخته شده، می‌باشند و از هر شاه‌نشینی دری به خارج گشوده می‌شود و نقشه ساختمان آن مشابه بقعه علی بن جعفر عریضی است، با این تفاوت که این بقعه چون قبلاً ساخته شده است، فاقد تزیینات گچبری و ازاره کاشی‌کاری است.

این بقعه احتمالاً مربوط به قبل از صفویه است که در ۱۲۳۲ قمری به دستور فتحعلی شاه قاجار و به وسیله منوچهر خان معتمدالدوله مرمت شده است. شکل درون بقعه با بلندی پیرامون ۹ متر است. این گنبد دارای گردنی به قطر ۸/۵۰ و ارتفاع ۲ متر با جدار نمایند مزین به کاشی کاری معقلی است.

در وسط بقعه ضریحی است چوبی و مشبک و درون آن مرقدی است به ارتفاع ۱/۴۰ و عرض ۲/۴۰ و طول ۳ متر که چهار بدنه آن آراسته به خشت‌های منقش هفت رنگ عصر فتحعلی شاه است که در پیش روی و پشت سر آن متضمن کتیبه‌ای است روی کاشی، به خط ثلثی سفید در زمینه لاجوردی و روی هر دو، آیه شریفه: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» نوشته شده است.

این مرقد عریض بر روی دو قبر است و تنها یک لوحه به نام حارث وجود دارد و معلوم نیست لوح مزار شاهزاده احمد چه شده است؟ و بر روی این لوح نوشته شده: «هذا مضجع شریف الامام حارث بن الامام احمد بن الامام المعصوم زین العابدین بن الامام المعصوم الشہید الحسین بن الامام الاکبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلوات».

بر فراز تیزه طاقتند دار الحفاظ در ایوان جنوبی سنگ مرمر مستطیل و خوش‌رنگی است و بر روی آن کتیبه‌ای به خط نستعلیق برجسته در شش سطر و هر سطر مشتمل بر سه بیت یا شش مصرع و جمعاً ۱۸ بیت از قصیده فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء، به ضمیمه بسمله و تاریخ ۱۲۳۲ روی آن حجاری شده است: گنجینه آثار قم، ۲/۲۸۱-۲۸۷

۲۸۷؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۶؛ تربت پاکان، ۱/۸۳-۸۷

حسن بن احمد بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام^۱.

اما نسب شاهزاده محمد بدین طریق است: محمد بن حسین بن احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام^۲ است.

۱. نام و نسب شاهزاده ابراهیم، در منابعی که به او اشاراتی دارند، اختلافات زیادی وجود دارد، برخی او را: «ابراهیم بن محمد بن حسن بن موسی بن جعفر علیه السلام» نوشته‌اند مانند کجویی در (انوار المشعین، ۱/ ۵۴۰ - ۵۴۱) در حالی که در جلد دوم همان کتاب (ص ۲۵۳) به این صورت: «ابراهیم بن محمد بن حسن بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم علیه السلام» معرفی شده است. بعضی مانند مدرسی با استفاده از لوحه داخل مرقد او را «ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین اخ الحسن ابن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شناسانده است (تربت پاکان، ۷۲/۲) و فیض به این شرح: «ابو اسماعیل ابراهیم بن محمد بن محسن بن ابراهیم عسکری بن موسی ابن السبحة ابن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی کاظم» به معرفی او پرداخته و با استناد به کتیبه ایوانچه جنوبی که مدخل رسمی بقعه است، وی را با این عبارات معرفی نموده: «بسم الله الرحمن الرحيم در این بقعه مبارکه به طوری که آقای ابوالمعالی شهاب الدین مشهور بالنجفی الحسینی المرعشی تعیین نموده‌اند، دو نفر از خاندان حضرت رسالت یکی سید جلیل ابو اسماعیل ابراهیم بن ابی جعفر محمد بن ابی طالب المحسن بن ابی الحسن ابراهیم العسکری بن موسی الثانی ابی السبحة بن ابراهیم المرتضی ابن سیدنا و مولانا الامام موسی بن جعفر علیه السلام و دیگری سید ابوجعفر محمد پدر بزرگوار ایشان مدفون می‌باشند» (گنجینه آثار قم، ۲/ ۲۶۵، ۲۶۷). با توجه به فراین و شواهد و اینکه همه این منابع و اشارتی که «تاریخ قم، ص ۲۲۲» در مورد پدرش شده اشاره خواهیم کرد و ابراهیم را یکی از فرزندان ابوالحسین محمد بن الحسن بن ابراهیم بن موسی دانسته، می‌توان یقین کرد که همه این نامها و نسبه‌ها از همین شاهزاده یا امامزاده ابراهیم است و به طور قطع، وسائلی از اجداد و نیاکان در منابع ساقط شده‌اند. به این ترتیب وی همان شاه ابراهیم عسکری است که در جانب غربی قم و رودخانه و در خیابان شاه ابراهیم قرار گرفته است.

۲. نام و نسب این امامزاده که بر اساس منابع و به شهادت کتیبه‌های موجود در مرقد و بقعه وی پدر ابو اسماعیل ابراهیم سابق الذکر است نیز در منابع به اختلاف و حذف و گاه تغییر آمده، چنانکه در مورد فرزندش ابراهیم نیز چنین بود. در کتاب منتقلة الطالبية، ص ۳۳، وی را چنین معرفی کرده است: «محمد ابو الحسین بن الحسین خرقه بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم» که از نافله کوفه به آبه آمد و دارای اعقاب و اولادی است از جمله: علی و ابراهیم و ابو عبدالله حسین. رجائی عین این نسب نامه را در کتاب خود بدون هیچگونه شرح و توضیحی آورده است، نک: الکواکب المشرقة، ۶۱/۱.

در تاریخ قم، ص ۲۲۲ چنین آمده است: «و از سادات موسوی که به آبه بوده‌اند، ابوالحسین محمد بن الحسن بن ابراهیم موسی است و این ابوالحسین از کوفه به طلب عمش اسحاق بن ابراهیم، به آبه آمد و به آبه وطن ساخت و مقیم شد و او را چند فرزند بودند: علی و حسین و ابراهیم». کجویی عین این عبارات را نقل کرده است: انوار المشعین، ۱/ ۵۴۱ و ۲/ ۲۵۰ - ۲۵۱.

بقیه اختلافات و اقوال را در شرح حال و ذکر نسب فرزندش ابراهیم نقل کردیم، دیگر تکرار نمی‌کنیم؛ اما اشاره می‌شود که بر اساس شواهد و فراین، وی پدر ابراهیم است و علت اینکه بقعه و آرامگاه به نام فرزند او - ابراهیم - شهرت یافته، آثار تالیفی شاهزاده ابراهیم بوده است.

گنبد و بارگاه شاهزاده ابراهیم که به «شاه ابراهیم» معروف است، چنانکه اشاره شد، در جانب غربی قم و رودخانه قرار گرفته که سابقاً در یک کیلومتری خارج شهر بود، ولی اکنون در اثر گسترش و توسعه قم، در میانه شهر واقع شده و خیابان شاه ابراهیم، حدود دو کیلومتر به جانب غربی گنبد امتداد یافته است و در اطراف آن خانه‌های مسکونی و مستغلاتی ساخته شده است. این بقعه تا چهل سال قبل تهی از هر گونه بیوتات و در میانه گورستانی

مدفن این امامزاده بقعه‌ای می‌باشد که واقع است در خارج دروازه معصومه علیه السلام طرف غربی شهر قم، در اول اراضی مزدیجان و بر لوح مزارش نوشته که از اولادهای موسی بن جعفر علیه السلام است، لیکن در کتاب تاریخ قم، چنین اسمی از اولادهای موسی بن جعفر که به قم آمده باشند، مضبوط نیست؛ زیرا از اولادهایی که صاحب تاریخ قم ذکر می‌کند که آمدند به قم و آبه دو نفر بودند یکی از آنها: «اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام» است و دیگری: «محمد بن حسن بن ابراهیم بن احمد بن

→ مخوف و ناهموار قرار داشت. گنبد آن در سال ۱۳۱۰ قمری که از ناحیه متولی وقت مرحوم آقا سید علی نقی تعمیر شده بود، آجر کاری بود. در سال ۱۳۵۶ قمری به سعی آقای حاج حسین علی گرجی آشتیانی ساکن تهران، تعمیر و ایوان مدخل آن کاشی کاری و گنبد آن نیز، به خشت کاشی آراسته گشت. در سال ۱۳۷۷ قمری، به همت دکتر احمد احسان که طبیبی خیر بود، از مسجد و حسینیه و آب انبار نیز برخوردار گردید.

بنای بقعه از آثار دوره ایلخانی است و متعلق به سده‌های هفتم و هشتم هجری است. نمای درون و برون بنا، هشت گوشه با ایوانی در هر ضلع از بیرون و صفه‌ای در درون است، بالای آن قاعده شانزده ضلعی با هشت نورگیر، سپس گنبدی با بلندی پیرامون ۱۴ متر از سطح بنا قرار دارد. روی قبر در میان بنا، لوحی از کاشی به رنگ آبی آسمانی شفاف از جنس کاشی‌های قرن هفتم و هشتم هجری و مرکب از هشت خشت هر یک به اندازه تقریبی ۷۰×۷۰ سانتی متر، قرار دارد و گرداگرد کاشیها آیت الکرسی را به ثلث برجسته نگاشته‌اند: گنجینه آثار قم، ۲/۲۶۲-۲۷۱؛ تربت پاکان، ۷۱/۲-۷۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۱. شاهزاده سید جعفر موسوی نقیب علویان در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری است که نسب نامه وی در دسترس نیست و نامبرده در یورش سپاه چنگیزی در سال ۶۱۷ قمری در فتنه امیر زاده جته نویان و قتل عام مردم قم به قتل رسیده است و در کتیبه‌های باقی مانده در بقعه با عنوان «شهید» از وی یاد شده است. از جمله در کتیبه لوح قبر مرکب از پانزده پارچه کاشی ۳۰ در ۳۰ سانتی متر فیروزه فام که روی آنها به خط برجسته ثلثی همرنگ زمینه عبارات و تاریخ ذیل قالب ریزی شده است، عباراتی بدین شرح است: «هذا مشهد الطاهر المطهر للشهید جعفر بن الامام... بن امام جعفر صادق... قرین امام علی زین العابدین بن امام حسین بن امام مطلق امیر المؤمنین سید وصیبن ذکر الله اعلی... صلوات الله علیهم اجمعین فی تاریخ محرم سبع و ستین و ستماة ۶۶۷هـ که در جای نقطه‌های اولیه یک خشت متضمن (موسی کاظم) و در جای نقطه‌های دومی خشتی متضمن عبارت (بن محمد با) و در مورد سوم خشتی با عبارت (علی بن ابی طالب) بوده‌اند و یازده پارچه و نیم آن در موزه آستانه نگهداری شده و در سینه اسپر شرقی سالن شرقی نصب گردیده است و این کاشی‌ها لوح مرقد را به عرض ۹۰ سانتی متر و طول ۱/۵۰ متر، یعنی پنج ردیف سه پارچه‌ای تشکیل می‌دهند که از نمونه‌های اصیل و مستند کاشی‌های قرن هفتم هجری می‌باشند.

اینکه برخی نوشته‌اند نامبرده امامزاده جعفر دقاق بن محمد بن احمد بن هارون بن امام کاظم است، ناشی از قلت تتبع و عدم مذاقه در کتیبه‌های داخلی بقعه مورد نظر می‌باشد، مخصوصاً که مستند ایشان هم زیاده ضعیف و مفاداً چنین است که چون هجرت جعفر دقاق به قم و رحلت وی در این شهر به نص تاریخ قم متیقن است و در این شهر دو بقعه مشهور به «شاهزاده جعفر» بیش نیست که یکی همین گنبد و دیگری گنبد شاهزاده جعفر غریب در کنار تپه قم درویش است، پس تعیین مدفن وی بین همین دو بقعه دور می‌زند. فیض این نظریه را به این شرح رد کرده است که اولاً چندین امامزاده به نام جعفر در قم موجود است نه دو نفر و دیگر اینکه جعفر دقاق کشته و شهید نشده است و سه دیگر اینکه جعفر دقاق نقیب نبوده، درحالی که مدفون در این گنبد شهید و نقیب و از شرفا شمرده شده است: گنجینه آثار قم، ۲/۲۵۴-۲۵۵؛ تربت پاکان، ۲/۳۵-۴۱.

ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام است و در آن کتاب نوشته است که این محمد بن حسن از کوفه به طلب عمویش اسحاق بن ابراهیم آمد و به آبه متوطن شد و نسل این دو بزرگوار در قم و آبه بسیار شدند و بعضی از اولادهای آنها را اسم نبرده و آنها را که اسم برده، جعفر نامی ذکر می‌کند، احتمال دارد که این امامزاده داخل در آنهایی که اسم نبرده، باشند، لیکن مظنون آن است که از اولادهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام باشد، زیرا که صاحب تاریخ قم ذکر می‌کند که: «حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر صادق علیه السلام، به قم آمد و وطن نمود و دختر کسری دختر شاهین اشعری را به نکاح خود درآورد» و فرزندان او را ذکر می‌کند که از این قرار است: محمد و علی و عبدالله و محسن و طاهر و جعفر و بعد ذکر می‌کند که طاهر و عبدالله و جعفر، بلا عقب از دنیا رفتند.^۱ پس چنین احتمال دارد که این امامزاده جلیل‌القدر همین جعفر باشد که مذکور شد، پس بنا بر این مطلب که به سه واسطه به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسد و نسب شریف او از این قرار است: جعفر بن حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر صادق علیه السلام است.^۲

۱. تاریخ قم، ص ۳۲۱-۲۲۲.

این آرامگاه در مزدیجان قم واقع شده که سابقاً در حومه شهر بود و اخیراً به واسطه گسترش شهر قم این گنبد و بارگاه در داخل شهر قرار گرفته است. نمای بیرونی بنا، هشت ضلعی با گنبد هرمی هشت ترکی آجری است که پیشتر با پوشش کاشی فیروزه‌ای آراسته بوده و اکنون جز قسمتی بسیار کم در نوک گنبد، همه کاشی‌ها ریخته‌اند. قطر و ارتفاع این گنبد هشت متر است. درون بنا به بلندی پیرامون ده متر، نخست چهارگوشه با صفه‌ای در جنوب و سه درگاه ورودی در سه سوی دیگر است که در بالا با پیش آمدن گوشوارها، به شکل گوشه درآمده و سپس با فاصله کتیبه سراسری، به شانزده ضلعی تبدیل شده و سقف گنبدی بر آن قرار گرفته است. درگاه اصلی ورود، از جهت شمال است که از بیرون با فاصله سردر و راهروی بدان می‌رسند. بنای این سردر و راهرو، متاخرتر از بنای اصل بقعه است، اما آن نیز، قدیمی است. داخل بنا دارای تزیینات و کتیبه‌های ارزشمند تاریخی و هنری است که تعدادی از آنها جهت نگهداری به موزه آستانه قم منتقل شده است. در این بقعه سه کتیبه کاشی وجود داشته که به موزه آستانه منتقل شده است. کتیبه اول مربوط به قبر و کتیبه دوم که از کاشی‌های خشتی، به خط ثلث مشکی است و از مجموع آنها فقط دو پارچه در سینه اسپر جنوبی بقعه به دیوار باقی مانده و از بقیه اثری نیست و کتیبه سوم که از کاشی‌های معرق عصر صفویه و حاکی از تعمیر درگاه بقعه به سال ۹۴۲ قمری است و در سینه اسپر شرقی سالن غربی موزه آستانه به دیوار نصب گردیده‌اند و سابقاً جبهه درگاه ورودی بقعه را زینت بخشیده بودند.

بر فراز بقعه گنبدی است باستانی و هرمی هشت ترکی کوتاهی که می‌توان گفت نخستین قبه هرمی شکلی است که در ایران ساخته شده است و ارتفاع آن ۸ متر و قطرش نیز ۸ متر است و در جانب شرقی و غربی بقعه، گورستانی با جدار قطور بارو ماندنی است و درهایی از بقعه به سوی آن گشوده می‌شود: گنجینه آثار قم، ۲/۲۵۴-۲۶۲؛ تربت پاکان، ۳۵/۲-۴۱؛ معماری ایران در عصر ایلخانان، ویلبردونالد، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۵۷.

۲. با توجه به کتیبه‌ای که از این امامزاده موجود است و به تفصیل آن را آورده‌ام و اگر چه قسمتهایی از این کتیبه که لوح قبر امامزاده بوده و چنانکه اشاره شد در موزه آستانه حضرت معصومه علیها السلام نگهداری می‌شود، اما خود شاهد و قرینه‌ای است که برخلاف نظر مؤلف این امامزاده جعفر نمی‌تواند از نوادگان امام جعفر صادق علیه السلام باشد، بلکه از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام است. اضافه بر این بیشتر نویسندگان نیز او را از نوادگان امام کاظم علیه السلام دانسته‌اند.

ذکر بقعه‌ای که در خاکفرج واقع است و مشهور است به «صفورا». این بقعه واقع است در «خاکفرج» و در آلسنه و افواه شهرت دارد که دختر حضرت شعیب پیغمبر است که در این بقعه مدفون است و این مطلب غلط است. ظاهراً مدفون در این بقعه یکی از اولادهای عمر بن علی بن ابیطالب رضی الله عنه باشد و بسیار جلیل‌القدر است؛ زیرا که در تاریخ قم^۲ مذکور

→ به استناد همان کتیبه لوح قبر که صراحت دارد بر اینکه وی ابن موسی الکاظم رضی الله عنه است و قراین و شواهد دیگر، نمی‌توان نوشته‌های مؤلف را که وی از نوادگان امام جعفر صادق رضی الله عنه و یا ادعای برخی که او را «جعفر دقاق بن محمد» معرفی کرده‌اند پذیرفت، چنانکه به تفصیل اشاره شد.

بهرتر است در مورد مرقد مطهر امامزاده جعفر نیز، اشارتی داشته باشیم: مرقد امامزاده در میان بنا با بلندی پیرامون یک متر و دراز و پهنای تقریبی ۱/۶۰ در ۲/۶۰ متر است که اکنون پوشیده از کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای نو است، اما پیش از این روی مرقد در میان، چند قطعه کاشی زرقام قرن هفتم هجری به عنوان لوح مزار بوده که در اوایل قرن حاضر ربوده شده است و نویسنده کتاب معماری ایران در عصر ایلخانان یعنی ویلبردونالد معتقد است که لوح مزار مورخ ۶۶۳ قمری موزه برلین را به احتمال زیاد از این مزار دانسته است. اما بعضی معتقدند که آن لوح از مزار احمد بن قاسم یکی دیگر از امامزادگان شهر قم است.

بدنه مرقد سراسر از چهار سو با کاشی‌های کوکبی همین دوره و در فواصل آنها کاشی ساده فیروزه‌ای چهار پر به سبک مرسوم در همه موارد مشابه، آراسته بوده است. این کاشی‌ها نیز، به نقل آگاهان محل چند ده سال پیش به تاراج رفته است: تربت پاکان، ۳۷/۲ - ۳۹.

هفده کتیبه هم در حاشیه خشت‌های کوکبی هشت ضلعی مدرج است که در بدنه‌های مرقد در بین کاشی‌های تعمیری جدید دیده می‌شوند و دوازده پارچه آنها سالم و پنج قطعه آنها ناقص و دارای شکستگی هستند: گنجینه آثار قم، ۲۶۰/۲. ۱. به نوشته فیض: «در زاویه شمال غربی باغ موقوفه در خاکفرج، گنبدی است قدیمی که مدفن سادات عمریه از احفاد عمر الاطرف ابن امام علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌باشند» سپس می‌افزاید که وجه تسمیه این بقعه به نام «صفورا» بدان جهت است که سیده صفورا نخستین شخصیتی است که در این نقطه به خاک سپرده شده است و بعد از آن عم وی شاهزاده محمد بن عبدالله بن عمر بن علی ابن ابی طالب رضی الله عنه که سیدی جلیل‌القدر و بزرگوار بوده است، در جوار وی مدفون گشت. مدرسی گوید: «نام این مزار از دیر زمان «صفورا» بوده و اخیراً پیر زن خادم مزار نام - شاهزاده محمد - را برای آن بیشتر پسندیده است!».

به هر صورت بنای گنبد به نوشته فیض به سال ۳۷۸ قمری باز می‌گردد و کلمه «صفورا» ماده تاریخ وفات سیده صفورا و بنای بقعه نیز، می‌باشد و مدرسی نوشته است که این بنای هشت گوشه گویا از قرن‌های نهم و دهم هجری است که در سال ۱۳۳۴ قمری به وسیله محمد رضا میرزا قاجار مرمت شده و سنگ نبشته بالای درگاه ورود که همین اواخر برداشته‌اند حاکی از این مرمت است. این بقعه بنایی است برجی به قطر و ارتفاع ده متر که بر فراز آن گنبدی عرقچینی و آجری ساخته‌اند. نقشه بنای امامزاده از داخل مربع به ابعاد ۶×۶ متر است که در ارتفاع دو متری، در چهار گوشه آن نیم طاقی بالا آورده، صورت ساختمان را به هشت ضلعی نامحسوس و سپس فلکه‌ای تبدیل کرده و پا طاق گنبد را بر آن نهاده‌اند. جدار بنا از داخل سفیدکاری و فاقد تزیینات گچبری و کاشیکاری است. در وسط بنا مرقدی با جدار گچی قرار دارد: گنجینه آثار قم، ۲۸۷/۲ - ۲۸۸؛ تربت پاکان، ۸۷/۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۷۸؛ انوار المشعشعین ۵۴۴/۱ و ۶۵/۲ - ۶۷.

۲. در تاریخ قم ص ۲۳۸ چنین آمده است: «دیگر ساداتی که به قم آمدند، عمریه‌اند، از فرزندان عمر بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه [ابو عبدالله العمری ذکر نسب او نکرده‌اند و او به کمیدان فرود آمده است، مردی بس پرهیزگار و فاضل بوده است و به کمیدان وفات یافته است، دیگر از فرزندان عمر بن علی به قم دو زن بوده‌اند، و الله اعلم».

میراث شهاب

است که یکی از فرزندان عمر بن علی بن ابیطالب وارد قم شد و در کمیدان^۱ فرود آمده و او مردی فاضل و پرهیزگار بوده و به کمیدان^۲ وفات یافته؛ اما اسم او را ذکر نمی‌کند.

شاهزاده سید علی علیه السلام^۳

مضجع شریف او واقع است در بقعه‌ای که در خارج دروازه ری که طرف شمالی شهر قم است و صحن کوچکی دارد و نسب او بدین طریق است: «علی بن احمد بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن علی بن ابی طالب علیه السلام» و اینکه در السنه و افواه مشهور است که شاهزاده سید علی پسر حضرت عباس علیه السلام است، غلط است.

۱. در اصل «کمندان».

۲. همان.

۳. در مورد نام و نسب این امامزاده اختلاف نظر است، برخی منابع او را از فرزندان محمد حنفیه ابن علی بن ابی طالب علیه السلام دانسته‌اند و به استناد تاریخ قم، نسب وی را چنین نوشته‌اند: «ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام» که در قم بوده و فرزندان او نیز در قم بوده‌اند و در نیشابور و ری هم اعقابی داشته است. در تاریخ قم آمده است که اول کسی که از فرزندان محمد حنفیه بن امیرالمؤمنین علیه السلام از نصیبین به ری آمد. احمد بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام بوده و پسرش علی بن احمد با او بود و آن علی در آن وقت طفل بوده و او را در ری بهرورانید (ص ۲۳۴) و کچویی نوشته است که این علی در قم مقیم شد و اولاد و ذریه او نیز، در قم اقامت کردند. قبر او در قم بیرون دروازه ری که مشهور به «بیرون شاهان» می‌باشد و نیز معروف است به امامزاده شاه سید علی سپس اضافه می‌کند که: آنچه در لوح زیارت نامه او نوشته‌اند: «شاهزاده سید علی بن ابراهیم بن جعفر بن عباس بن امیرالمؤمنین علیه السلام غلط و سهو است، زیرا که نه در کتاب تاریخ قم و نه در کتاب عمدة الطالب و نه در غیر آن از کتب معتبر نوشته‌اند که اعقاب حضرت ابوالفضل علیه السلام به این حدود آمده باشند: انوار المشعین، ۵۶/۲، ۵۷، ۵۹.

فیض نوشته است که گنبد معروف به نام «شاهزاده سید علی» در جهت شمالی شهر و متنه‌الیه کوی جدید خارجی دروازه ری واقع است که در امتداد خیابان کمربندی که به خیابان شاه سید علی معروف است، قرار گرفته و هر چند که نسب نامه وی در لوح کاشی مرقدش بدین گونه: «سید علی بن ابراهیم بن جعفر بن عباس بن امام المتقین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضبط شده، اما تردیدی نیست که از این نسب نامه، و سائلی اسقاط گردیده است؛ زیرا اولاً ابوالفضل العباس را فرزندی به نام جعفر نبوده است و ثانیاً در بین پسران وی تنها عبیدالله بن عباس دارای اعقاب بوده و از نسل عبیدالله فقط پسرش حسن دارای اعقاب و اولاد بوده و بنابراین نسب وی چنین باید باشد: «علی بن ابراهیم بن ابی جعفر حسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس» و علی از اسخیای بنی هاشم و با جلالت قدر و عظمت منزلت متصف بوده است و او را نوزده پسر آمده است: گنجینه آثار قم، ۶۲۶/۲ - ۶۲۷.

با توجه به آنچه مؤلف این کتاب و کچویی نوشته‌اند، انتساب این قبر به نوادگان حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام درست نیست، این امامزاده باید از نوادگان محمد حنفیه باشد والله اعلم. مرقد وی دارای بقعه و قبه، رواق و ایوان و صحن و آب انبار و بیوتاتی است و پیش از سایر مشاهد قم مورد توجه مردم است: گنجینه آثار قم، ۶۲۷/۲ - ۶۳۳؛ تربت پاکان، ص ۱۰۳؛ بناهای آراگاهی، ص ۱۶۳.